با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

آتش‌نشانان ایران برای شرکت در مسابقات جهانی نیازمند حمایت هستند

قرار است اول تیرماه مسابقات آتش‌نشانان و پلیس‌های جهان در هلند برگزار شود. این مسابقات در سطح عالی در جهان با حضور تیم‌هایی از آتش‌نشانان سراسر جهان برگزار می‌شود. ولی تیم ایران با وجود داشتن دعوتنامه و آمادگی کامل به‌دلیل عدم‌حمایت و نبود پشتیبانی تاکنون نتوانسته است اقدامی برای نفراتی که آماده رقابت هستند انجام دهد. از مسئولان تقاضا داریم حمایت کنند تا تیم مقتدر ایرانی به این مسابقات مهم اعزام شود.

جمعی از آتش‌نشانان

بذر خیار به قدری گران شده که نمی توانیم بکاریم

بذر خیاری که همیشه برای کشت استفاده می کردیم یکباره از قیمت بسته ۲۵۰۰تایی به قیمت ۲۰۰هزارتومان به نزدیک یک میلیون تومان رسیده است. همین افزایش قیمت ناگهانی باعث شده من و تعدادی سیفی کار دیگر نتوانیم خیار بکاریم. فصل کشت روبه پایان است و ما هنوز بذرش را نداریم!

سیف از نهاوند

حقوق کتابداران، نیازمند بازنگری است

کتابداران کتابخانه‌های عمومی با حقوق ۴ میلیون تومان چگونه زندگی کنند وقتی هیچ امیدی برای افزایش حقوق و مزایا ندارند. مسئولان در پاسخ به اعتراض کارکنان به ناچیز بودن حقوق می‌گویند اگر نمی‌خواهید بروید و ما از ترس بیکاری چاره‌ای جز ادامه دادن نداریم. اغلب ما به‌صورت ۲شیفت تا ساعت ۸ شب سرکار هستیم ولی هیچ اضافه کار و حق شیفتی دریافت نمی‌کنیم و این وضع ۹۵درصد کتابداران است. ممکن است که خواسته ۷ هزار کتابدار سراسر کشور مهم نباشد؟

کتابدار از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

هیچ نظارتی بر صدور مجوز عطاری‌ها نیست

معلوم نیست بر چه اساسی این همه مجوز عطاری صادر می‌شود و اصلا جامعه به این تعداد عطاری نیازمند است یا خیر. بدتر از تعداد عطاری‌ها کارشناس و دکتر بودن همه آنهاست و برخی داروهای گیاهی که بسیار محتاطانه در ساخت داروهای پزشکی کاربرد دارند به‌سادگی به مردم فروخته می‌شوند. آیا مردم ابزار اندازه‌گیری میزان مصرف این داروها را دارند؟ آیا شرایط نگهداری این داروهای گیاهی در عطاری‌ها رعایت می‌شود؟ آیا آنها از نتایج درمانی داروهای مصرف شده و حال مراجعه‌کنندگان مطلع می‌شوند؟ واقعا چه‌کسی مسئول نظارت بر این روند است؟ بی‌شک اگر دست‌اندرکاران امر وارد موضوع نشوند انتهای این موضوع در آینده صدمات جبران‌ناپذیری به جامعه وارد خواهد کرد.

سعادت‌فر از تهران

آبادان نیازمند کشتارگاه دام است

انگار گوشت در شهرستان آبادان از همه‌جا گران‌تر است زیرا علاوه بر افزایش قیمت‌های متعارف هزینه حمل بار از شهرستان‌های اطراف به آبادان به قیمت گوشت در آبادان افزوده می‌شود. تنها راهکار این است که کشتارگاهی در آبادان دایر شود که نیاز شهر را تامین کند و به مرور باعث کاهش هزینه‌های تامین گوشت شهرستان شود ضمن اینکه چنین کشتارگاهی می‌تواند بخشی هر چند ناچیز از اشتغال شهرستان را نیز پوشش دهد.

تبار از آبادان

یک ماه است آب در پارک نهج البلاغه هدر می‌رود

از حدود یک ماه قبل لوله آب در کنار زمین اسکیت پارک نهج‌البلاغه ترکیده و هر روز ساعت‌ها آب هدر می‌رود. با مسئولان پارک صحبت کردیم و به ۱۳۷ و سازمان آب هم زنگ زدیم ولی هیچ اتفاقی نیفتاده است. لطفا جلوی هدررفت این آب را بگیرند.

مظاهری از تهران

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

پروژه ترافیکی میدان بسیج شهریار اصلاح شود

میدان بسیج سابق از سال ۹۷ کلنگ خورد و قرار شد تبدیل به پل‌های زیرگذر و روگذر شود ولی بعد از ۴سال هنوز به‌صورت نیمه تمام مانده است. بعد از پیگیری فراوان مسئولان اعلام کردند پروژه به مشکل لوله گاز برخورد کرده و مسیر و میدان باید پر از نخاله و شن شود! آیا کسانی که طرح اولیه این پروژه را دادند نمی‌دانستند که لوله گاز از آنجا عبور کرده است؟ حالا نه‌تنها میدانی درست نشده بلکه تلی از خاک و نخاله و کنده کاری همواره در وسط خیابان است و بار ترافیکی ناشی از این وضعیت بر دوش ساکنان منطقه میدان بسیج شهریار سنگینی می‌کند.

تقوی از شهریار تهران

هیأت شطرنج استان البرز ۳ سال بدون رئیس

از سال ۹۸ که رئیس هیأت شطرنج استان البرز از کار برکنار شد هنوز ریاست جدیدی برای این هیأت فعال که دارای رنکینگ کشوری است انتخاب نشده است. نه انتخاباتی در کار است و نه اعزام و حمایت از شطرنج بازان و نه اعزام به مسابقات کشوری و بین‌المللی. در نتیجه این وضعیت در استانی که یکی از سخت‌ترین مسابقات شطرنج کشور را داشت به‌گونه‌ای که همیشه سهمیه مستقیم به استان می‌دادند اکنون ۳ سال است نماینده‌ای در سطح کشور ندارد. لطفا مسئولان ورزشی به‌خودشان بیایند و علاقه‌مندان و ورزشکاران را دریابند.

گل محمدی از کرج

خبری از واریز افزایش حقوق بازنشستگان نشد

من بازنشسته‌ای با حقوق ۳میلیون و ۲۰۰هزار تومان هستم که گرانی نفسم را تنگ کرده است. امید داشتم ۲۵خرداد همزمان با واریز حقوقم مابه‌التفاوت و افزایش حقوق در دریافتی این ماه من باشد ولی خبری نیست. مسئولان را سوگند می‌دهم اینقدر ما بازنشستگان را با وعده و وعید اذیت نکنند.

هاشمی از تهران

عامل پنچر کردن چرخ‌های آمبولانس، راننده اتوبوسی بود که از گرما کلافه شده بود

دختر ۲ساله، قربانی عصبانیت راننده اتوبوس

گزارش
الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

بازبینی تصاویر دوربین‌های مداربسته در حادثه مرگ دختر بچه ۲ساله که به‌دلیل پنچرشدن چرخ‌های آمبولانس و دیر رسیدن به بیمارستان جانش را از دست داده بود، به شناسایی راننده اتوبوسی منجر شد که عامل پنچر کردن چرخ‌های آمبولانس بود. این مرد می‌گوید وقتی در خط ویژه دیده که راهش مسدود شده از شدت عصبانیت، چرخ‌های آمبولانس را پنچر کرده است.

به گزارش همشهری، این حادثه ظهر سه‌شنبه گذشته اتفاق افتاد و افکار عمومی را به شدت تحت‌تأثیر قرار داد. ماجرا از این قرار بود که ظهر آن روز خانواده دختربچه ۲ساله‌ای، وی را به مطب متخصص اطفال در خیابان شهید بهشتی منتقل کردند. دختر خردسال مبتلا به بیماری خاصی بود و با انجام معاینات اولیه معلوم شد دچار مشکل قلبی شده است. در این شرایط ماجرا به اورژانس اطلاع داده شد تا وی به سرعت به بیمارستان منتقل شود. وقتی آمبولانس رسید به‌دلیل شرایط ترافیکی این خیابان، نبود جای پارک مناسب و حال وخیم دختر خردسال، نیروهای اورژانس ناچار شدند آمبولانس را در خط ویژه پارک کنند و وارد ساختمان پزشکان شوند. پس از آنکه عملیات احیا انجام شد باید هرچه سریع‌تر کودک به بیمارستان منتقل می‌شد تا ادامه درمان صورت بگیرد، اما وقتی تکنیسین‌های اورژانس به همراه دختربچه از ساختمان پزشکان خارج شدند، ۲عدد از چرخ‌های آمبولانس پنچر شده بود و نتوانستند دختربچه را به بیمارستان ببرند. آنها درخواست اعزام آمبولانس دیگر کردند، اما تا رسیدن آمبولانس دوم، به‌دلیل طولانی شدن روند انتقال دختربچه به بیمارستان وی دوباره بدحال شد و این بار جانش را از دست داد.

بازداشت راننده اتوبوس

وقوع این حادثه تلخ و انتشار خبر آن در رسانه‌ها افکار عمومی را جریحه‌دار کرد. همه، عامل این اتفاق هولناک را فردی می‌دانستند که چرخ‌های آمبولانس را پنچر کرده و مانع حرکت آن شده بود. در این شرایط تیمی از مأموران پلیس پایتخت با دستور بازپرس جنایی تهران راهی محل حادثه شده و برای شناسایی فرد ناشناس به بازبینی تصاویر دوربین‌های مداربسته پرداختند. فیلم‌ها نشان می‌داد که عامل این حادثه راننده یک اتوبوس بوده است. او پس از آنکه در خط ویژه با آمبولانس روبه‌رو شده، چندین بار بوق زده، اما وقتی دیده آمبولانس حرکت نمی‌کند، درحالی که عصبانی و کلافه بوده از اتوبوس پیاده شده و ۲تا از چرخ‌های آمبولانس را پنچر کرده. سپس دنده عقب گرفته و با تغییر مسیر از محل دور شده بود. با این سرنخ، زمان زیادی طول نکشید که این فرد شناسایی و در خانه‌اش در یکی از مناطق جنوب پایتخت بازداشت شد.

مکث

بیمار بی‌گناه

دختربچه‌ای حدودا ۲ساله که در جریان پنچر شدن آمبولانس جانش را از دست داد، مبتلا به بیماری فلج چهاراندامی بود. در این بیماری، کودک هر از گاهی ممکن است بعد از خوردن غذا یا شیر، آن را برگرداند و حالت خفگی به او دست بدهد. پزشک متخصص اطفال که کودک، پیش از این ۳مرتبه به مطب او رفته، اما روز حادثه حالش وخیم شده بود، به همشهری می‌گوید: قبل از ساعت ۱۲روز سه‌شنبه بود که پدر و مادر کودک به من زنگ زدند و گفتند حال دخترشان بد است. به آنها گفتم اگر می‌خواهند، می‌توانند بچه را به مطب من بیاورند و یا به بیمارستان بروند. زمانی که آنها با من تماس گرفتند، در خانه‌ام بودم و گفتند می‌خواهند بچه را به مطب بیاورند. وی ادامه می‌دهد: پس از این تماس راهی مطب شدم و پدر و مادر کودک، دخترشان را به مطب انتقال دادند. وقتی متوجه شدم دختربچه مشکل قلبی پیدا کرده عملیات احیا را شروع کردیم و همزمان به اورژانس زنگ زده و درخواست آمبولانس کردیم تا او را به بیمارستان انتقال بدهیم. نیروهای اورژانس که رسیدند عملیات احیا را با کمک آنها ادامه دادیم تا اینکه شرایط بیمار استیبل و ثابت شد. پس از آنکه وضعیت ثابت شد باید او به بیمارستان منتقل می‌شد. در علم پزشکی اینطور است که وقتی یک کودک دچار تشنج مغزی می‌شود باید فورا او را به بیمارستان منتقل کنیم تا به یک دستگاه اکسیژن ثابت وصل شود و ۲ یا ۳ روز تحت درمان قرار بگیرد. وی ادامه می‌دهد: در این جور مواقع حساس، معمولا خودم همراه بیمار به بیمارستان می‌روم و آن روز می‌خواستم به همراه کودک سوار بر آمبولانس شده و به بیمارستان برویم، اما در اوج ناباوری متوجه شدیم که چرخ‌های آمبولانس پنچر شده است. حدود ۱۰ دقیقه طول کشید تا آمبولانس دوم رسید، اما متأسفانه کودک فوت شده بود. پزشک متخصص درباره اینکه آیا می‌شد با خودروی دیگری به جز آمبولانس کودک را به بیمارستان رساند، می‌گوید: به‌دلیل اینکه دستگاه به کودک وصل بود و باید فیکس می‌ماند و تکان نمی‌خورد، خطرناک بود که با خودروی دیگری کودک را به بیمارستان انتقال داد. حتی اگر در آغوش هم بود باز هم خطرناک بود اما در آمبولانس جایش ثابت می‌ماند و تکان نمی‌خورد تا به بیمارستان منتقل شود. من از این حادثه به شدت متاثر شدم و بسیار از مرگ کودک ناراحتم.

گفت‌وگو

اظهار ندامت

راننده اتوبوس، مردی ۳۹ساله است که در برابر اتهام تخریب، قتل شبه‌عمد و اخلال در نظم عمومی قرار گرفته است. او به شدت نادم و پشیمان است و می‌گوید از وقتی متوجه شده اقدام عجولانه‌ای که به‌دلیل عدم آگاهی مرتکب شده منجر به مرگ کودکی بی‌گناه شده است، عذاب وجدان شدید گرفته و خیلی ناراحت است. وی پس از دستگیری به سوالات تیم تحقیق پاسخ داد.

چه شد که فکر پنچر کردن چرخ‌های آمبولانس به ذهنت خطور کرد؟

آمبولانس در خط ویژه پارک کرده بود و من هم به‌شدت کلافه بودم. آنقدر عصبانی شدم که دیگر کنترلی بر مغز و رفتارم نداشتم. نمی‌دانم چه شد که پیاده شدم و برای آنکه عصبانیتم را خالی کنم چرخ‌ها را پنچر کردم.

مگر جز این است که آمبولانس می‌تواند هر جایی پارک کند و در آن لحظه به این فکر نکردی که ممکن است مریض بدحال داشته باشد؟

ظهر بود. فکر می‌کنم ساعت ۱۲ بود. هوا به‌شدت گرم بود و من از گرما کلافه شده بودم. کولر هم نداشتم و از صبح به‌شدت عرق کرده بودم. گرما تا مغزم نفوذ کرده بود و به همین دلیل اصلا متوجه نبودم که اقدام هولناک من باعث مرگ کودکی می‌شود. خیلی پشیمانم و نمی‌دانید چه عذابی می‌کشم.

راهت سد شده بود و راه دیگری وجود نداشت؟

آمبولانس درست جایی پارک کرده بود که نمی‌توانستم در جا تغییر لاین بدهم. البته باید کمی دنده عقب می‌گرفتم تا بتوانم وارد لاین دیگر شوم، اما چون کلافه بودم مغزم کار نمی‌کرد. بعد از حادثه مسافتی را دنده عقب رفتم و وارد لاین دیگر شدم و رفتم.

کار سختی بود؟

نمی‌دانم چه باید بگویم. اشتباه کردم و تأکید می‌کنم که در آن لحظه به‌شدت از گرما کلافه شده بودم. چند دقیقه‌ای هم صبر کردم، اما راننده آمبولانس نیامد. وقتی دیدم او نیامد از اتوبوس پیاده شدم و ۲تا از چرخ‌های آن را پنچر کردم. من مجبور شدم مسافت زیادی را در آن شرایط دنده عقب بروم.

چه زمانی متوجه شدی که اقدام هولناک تو باعث مرگ کودکی ۲ساله شده است؟

فردای آن روز یعنی روز چهارشنبه خبر را در رسانه‌ها خواندم و نمی‌دانید چقدر ترسیدم و عذاب وجدان گرفتم. حتی از ترسم موبایلم را خاموش کردم، اما سرانجام پلیس دستگیرم کرد. واقعا در آن لحظه اصلا گمان نمی‌کردم که ماجرا به مرگ یک کودک بیمار و گیرافتادن خودم ختم می‌شود. اگر می‌دانستم، هرگز مرتکب چنین اشتباه بزرگی نمی‌شدم.

کارخانه‌دار ورشکسته پس از جنایت، به شهرهای مختلف سفر کرد

پایان ۴ ماه فرار قاتل آتش‌افروز

جنایی

کارخانه‌دار ورشکسته که از صاحب یک دفتر حقوقی، ۲۰۰ میلیون طلبکار بود، بر سر این اختلاف مالی، آتش به پا کرد و جان مرد بدهکار را گرفت.

به گزارش همشهری، ۱۱ بهمن پارسال به قاضی محمدتقی شعبانی، بازپرس جنایی تهران خبر رسید که مردی حدودا ۵۰ ساله در یکی از بیمارستان‌های تهران جانش را از دست داده است. او از روز ششم بهمن ماه به دلیل سوختگی به بیمارستان منتقل شده و تحت درمان قرار گرفته بود، اما تلاش برای نجات وی فایده‌ای نداشته و مرد ۵۰ ساله جان باخته بود. با دستور بازپرس جنایی تهران تحقیقات در این باره آغاز و مشخص شد که مقتول صاحب یک دفتر حقوقی است که روز حادثه مردی آشنا به دفتر کار او رفته و با ریختن بنزین و کشیدن فندک وی را به آتش کشیده بود. پسر مقتول هم که روز حادثه در دفتر پدرش حضور داشت و از ناحیه دست دچار سوختگی شده بود در تحقیقات گفت: قاتل پدرم، مردی به نام محسن است. پدرم او را می‌شناخت و تا جایی که می‌دانم با پدرم اختلافی نداشت. حتی پدرم در حق او لطف بزرگی کرده بود چرا که محسن چند روز به خاطر چک جعلی به زندان افتاد و پدرم او را زندان آزاد کرد، اما جواب خوبی‌های پدرم را با بدی داد. وی ادامه داد: روز حادثه محسن به دفتر آمد و در اتاق پدرم روی میز و مبل‌ها و همچنین روی پدرم بنزین ریخت. با دیدن این صحنه به طرفش دویدم که مانعش شوم اما ناگهان فندک را روشن کرد و پدرم آتش گرفت. من هم از ناحیه دست دچار سوختگی شدم و قاتل آتش‌افروز هم فورا فرار کرد.

فرار به شهرهای مختلف

با این اطلاعات نام متهم به قتل در لیست افراد تحت تعقیب قرار گرفت، اما بررسی ها حکایت از این داشت که او پس از آتش‌افروزی، فراری شده و سعی کرده ردی از خودش به جا نگذارد. با این حال تیم تحقیق به جست‌وجوی ویژه پرداخت تا اینکه سرانجام بعد از گذشت ۴ ماه از جنایت، متهم فراری شناسایی و دستگیر شد. او چند روز قبل در اقدامی غافلگیرانه به دام پلیس افتاد و وقتی پیش روی بازپرس محمدتقی شعبانی قرار گرفت درباره انگیزه‌اش از جنایت گفت: مدتی قبل از حادثه ۲۰۰ میلیون تومان به مقتول پول دادم تا برایم وام ۵ میلیاردی بگیرد. او وعده داده بود که به زودی برایم وام جور می‌کند چون من ورشکسته شده بودم و بدهی داشتم. وی ادامه داد: من کارخانه‌دار بودم و وضع مالی خیلی خوبی داشتم، اما اتفاقاتی در زندگی‌ام رقم خورد که موجب شد تمام سرمایه‌ام را از دست بدهم و تبدیل شوم به یک کارخانه‌دار ورشکسته. به همین دلیل بود که به دفتر کاری مقتول که از قبل او را می‌شناختم رفتم تا او برایم وام جور کند تا از این وضعیت خلاص شوم. با هزار بدبختی و سختی ۲۰۰ میلیون تومان تهیه کردم، اما او نه تنها برایم وامی جور نکرد بلکه اصل پولم را هم برنمی‌گرداند. وی گفت: آنقدر به دفتر او رفتم تا اینکه وی یک چک ۲۰۰ میلیونی به من داد که بلامحل بود. به همین دلیل دستگیرم کردند و ۵ روزی در زندان بودم. پس از آزادی سراغش رفتم و گفتم اصل پولم را برگرداند چون گرفتار بودم. اما او یک یا دو ماهی مرا سرکار گذاشت و امروز یا فردا می‌کرد. سرانجام روز حادثه بنزین تهیه کردم و به دفتر مقتول رفتم. قصدم این بود که او را بترسانم و به پولم برسم. هرگز قصد کشتنش را نداشتم، اما بخت با من یار نبود و او جانش را از دست داد. متهم درباره روز حادثه گفت: چون قصدم ترساندن او بود، بنزین را روی مبل و وسایل اتاق ریختم. یک مقدار هم روی مقتول پاشید و پسرش که در آنجا حضور داشت به سمتم آمد و با هم درگیر شدیم. گفتم پولم را می‌خواهم که در کشمکش با پسر مقتول زمین خوردم و در آن لحظه فندک را کشیدم تا وسایل دفتر آتش بگیرد و خسارت به او وارد شود. اما اقدام من باعث شد تا مقتول در آتش بسوزد و پسرش هم مصدوم شود. متهم گفت: پس از قتل به شمال غرب کشور رفتم و زمینی را که در آنجا داشتم، فروختم. با پول آن به تمام شهرهای ایران سفر کردم و با خود گفتم که من در نهایت دستگیر و مجازات می‌شوم. می دانستم مجازات قتل عمد، قصاص است و با خود گفتم در آخر اعدامم می کنند و بهتر است حالا که زنده‌ام دنیا را بگردم و تفریح کنم، اما در نهایت دستگیر شدم. بر اساس این گزارش، متهم به قتل با قرار قانونی بازداشت شد و برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

۲ بیمار مرگ مغزی، منجی ۷ نفر شدند

محمدجواد حسن‌زاده؛ یکی از بیماران مرگ مغزی که اعضای بدنش اهدا شد

اهدای اعضای بدن ۲پسر که یکی در هرمزگان و دیگری در آذربایجان شرقی دچار مرگ مغزی شده بودند، دست‌کم جان ۷بیمار نیازمند را نجات داد.

به گزارش همشهری، نخستین اهداکننده عضو، پسری ۱۳ساله به‌نام محمدجواد حسن‌زاده، اهل بندرلنگه است. او عصر روز ۲۱خردادماه امسال در دریا غرق و با علائم ضعیف حیاتی به بیمارستان شهدای بندرلنگه منتقل شد. هرچند او دچار ایست قلبی شده بود، اما بلافاصله به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل و عملیات احیای قلبی و ریوی آغاز شد. با وجود همه تلاش‌های کادر درمان اما محمدجواد دچار مرگ مغزی شد. با وجود اینکه جان‌باختن نوجوان ۱۳ساله برای خانواده‌اش تلخ و ناگوار بود، اما وقتی با آنها درباره اهدای اعضای بدن محمدجواد صحبت شد، خیلی زود موافقت خود با انجام این کار را اعلام کردند. محمود حسین‌پور، رئیس واحد اهدای عضو هرمزگان در این‌باره گفت: این بیمار مرگ مغزی به‌دنبال غرق‌شدگی در دریا با کاهش سطح هوشیاری به بیمارستان شهدای بندرلنگه منتقل شده بود اما به‌علت شدت آسیب وارده به سلول‌های مغزی، عملکرد مغز و ساقه مغز مختل و پسر نوجوان دچار مرگ مغزی شد.

او ادامه داد: بعد از تأیید مرگ مغزی توسط پزشک‌های معتمد در بیمارستان بندرلنگه و رضایت خانواده برای اهدای عضو، این عزیز با بالگرد اورژانس ۱۱۵ هرمزگان به بیمارستان شهید محمدی منتقل شد و در این بیمارستان نیز همه معاینات، اقدامات تشخیصی توسط پزشکان تأییدکننده مرگ مغزی انجام شد و کبد و کلیه‌های او برای پیوند به بیماران نیازمند به بیمارستان ابن‌سینا شیراز منتقل شد.

دومین اهداکننده عضو سرباز وظیفه‌ای ۲۲ساله به نام علیرضا ایمانی، اهل تبریز بود که در یک سانحه رانندگی دچار مرگ مغزی شده بود که اعضای بدنش به بیماران نیازمند اهدا شد. این جوان روز ۲۳خردادماه امسال در جریان یک حادثه رانندگی به‌شدت آسیب دید و وقتی به بیمارستان انتقال یافت، معلوم شد که بر اثر شدت آسیب‌های وارده دچار مرگ مغزی شده است و به زندگی برنمی‌گردد. در این شرایط رایزنی با خانواده او برای اهدای اعضای بدنش به بیماران نیازمند آغاز شد که با موافقت آنها اعضای بدن این سرباز وظیفه، جان چند بیمار را نجات داد. محسن قادری، مدیر پیوند و فراهم‌آوری اعضای بدن دانشگاه علوم پزشکی تبریز در این‌باره گفت: پس از تأیید مرگ مغزی این جوان در بیمارستان عالی‌نسب تبریز و رضایت خانواده او، بلافاصله بیمار به بیمارستان امام‌رضا تبریز منتقل و ۴عضو او شامل: ۲کلیه، قلب و کبد وی به بیماران نیازمند اهدا شد.

او ادامه داد: ۲کلیه این بیمار مرگ مغزی به زنی ۳۵ساله و مردی ۵۲ساله و کبد او به دختری ۱۴ساله پیوند زده شد و قلب او نیز در بیمارستان شهید مدنی تبریز به مرد ۲۸ساله اهدا شد که حال عمومی هر چهار بیمار رضایت‌بخش گزارش شده است.

یادداشت
سیدمجتبی حسین‌پور؛ وکیل دادگستری

مجازات پنچر کردن آمبولانس

خودروهای امدادی مثل آمبولانس به سبب نوع ماموریت‌شان و اینکه با جان انسان‌ها سر و کار دارند به طور قانونی مجاز هستند برخی از مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نکنند؛ مثلا از چراغ قرمز یا مسیرهای ویژه عبور کنند. درباره حادثه پنچر کردن آمبولانس به دلیل اینکه در خط ویژه پارک شده بوده نیز می توان گفت که به طور معمول نباید خط ویژه را مسدود یا خودرو را در مکان های غیر مجاز پارک کرد؛ اما اگر آمبولانس در آنجا متوقف شده این کار می تواند با توجه به نوع ماموریت اورژانس قابل توجیه باشد. اگر اینطور به ماجرا نگاه شود که شاید این کار بنا بر ضرورتی مهم انجام شده و راه دیگری جز این کار وجود نداشته و امدادگران اورژانس برای نجات جان بیمار مجبور به این کار شده اند. فرد متخلف که دو چرخ آمبولانس را پنچر کرده و عملا باعث شده که انتقال بیمار با آن امکان‌پذیر نباشد نیز باید این احتمال را می داد که شاید جان کسی در خطر بوده که آمبولانس در خط ویژه توقف کرده است. اما آیا فرد متخلف که با پنچر کردن آمبولانس باعث شده کودک بیمار دیر به بیمارستان برسد و به دلیل همین تاخیر جانش را از دست بدهد، مرتکب جرم شده و آیا مجازاتی در انتظار او است؟ زمانی است که فردی به طور عمدی و مستقیم دست به جنایت می‌زند اما در مواردی مثل این حادثه اگر بخواهیم سختگیرانه تصمیم بگیریم به این نتیجه خواهیم رسید که فرد هرچند مرتکب فعلی نشده اما به طور غیرمستقیم باعث جنایت شده است و بنابر این جرم او تسبیب در جنایت شبه عمد است که مجازات آن پرداخت دیه است و از لحاظ جنبه عمومی جرم نیز مجازات خواهد شد. به نظر می رسد برای برقراری نظم در جامعه نیاز به سختگیری بیشتری وجود دارد. اما اگر کمی با دیده اغماض به موضوع نگاه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که فرد متخلف در این ماجرا مرتکب خطای محض شده است. به این معنی که فرد در ارتکاب جنایت، فعل و قصد عمدی نداشته است. در چنین مواردی مجازات خطای محض ناظر بر شخص نیست و از لحاظ جنبه عمومی جرم نیز مجازاتی در نظر گرفته نشده است و صرفا متخلف باید دیه پرداخت کند. از منظر دیگر در این پرونده فرد متخلف آمبولانس را هم که جزو اموال عمومی است، تخریب کرده و مجازات دیگری به دلیل تخریب عمدی اموال عمومی برای او در نظر گرفته خواهد شد.

خبر

سرقت فرش‌های نفیس برای انتقام از صاحب قالیشویی

پشت پرده سرقت فرش‌های نفیس توسط کارکنان یک شرکت قالیشویی، کارمند اخراجی این شرکت بود که برای انتقامجویی نقشه سرقت کشیده بود.

به گزارش همشهری، اواخر سال گذشته شکایت‌های متعددی به پلیس پایتخت گزارش شد که نشان می‌داد مردی به بهانه شست و شوی قالی، دست به سرقت می‌زند. یکی از مالباخته‌ها گفت: من سال‌ها بود که فرش‌هایم را به یک قالیشویی معتبر می‌دادم و آخرین بار شب عید هم تصمیم گرفتم فرش‌های دستباف را برای شست و شو به قالیشویی بدهم. یکی از کارکنان آنها مردی بود به نام مجید. او را سال‌ها بود که می‌شناختم و به همین دلیل با او تماس گرفتم و وی فورا به خانه‌ام آمد. مجید بعد از بردن فرش‌ها غیبش زد و هرچه به او زنگ زدم جواب نداد. با قالیشویی که تماس گرفتم متوجه شدم که مجید مدتی قبل از آنجا اخراج شده و فرش‌های من اصلا در قالیشویی نیست. با افزایش شکایت‌های مشابه، تحقیقات در این‌باره آغاز و مأموران موفق شدند مجید را شناسایی و دستگیر کنند. او در بازجویی‌ها به سرقت سریالی اعتراف کرد و گفت: ۸سال بود که در قالیشویی کار می‌کردم و هیچ مشکلی نداشتم. با دلسوزی کار می‌کردم اما قبل از عید کارفرمایم بی‌دلیل با من سرناسازگاری گذاشت. وی ادامه داد: حدود ۸میلیون تومان از او طلب داشتم اما وی مرا اخراج کرد. من هم برای انتقامجویی فرش‌های مشتریان ثابت قالیشویی را که با من تماس می‌گرفتند سرقت می‌کردم و در سایت‌های خرید و فروش کالا می‌فروختم تا اینکه دستگیر شدم. پس از اعترافات متهم پرونده وی در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت.

باختن پول کمک به کرونایی‌ها در قمار

پس از آنکه بیش از ۴۶میلیون یـن بودجه کمک به خانواده‌های بیماران کرونایی اشتباهی به‌حساب مرد ژاپنی واریز شد، او همه این پول را ظرف چند روز در قمار باخت.

به گزارش همشهری به نقل از نیویورک تایمز، ماه گذشته زمانی که قرار شد برای کمک به ۴۶۳خانواده بیماران کرونایی کم‌درآمد در استان یاماگوچی ژاپن به‌حساب هر کدام از آنها ۷۷۰دلار واریز شود، بانکی که قرار بود این مبلغ را به حساب خانواده‌ها واریز کند اشتباهی آن را به‌حساب مردی جوان در این استان واریز کرد. پس از این اشتباه مسئولان بانک متوجه ماجرا شدند و مردی را که پول‌ها به حسابش واریز شده بود شناسایی کردند اما مرد جوان از پس دادن این پول امتناع کرد. این مرد که شو تاگاچی نام دارد برای هفته‌ها از پس دادن پول خودداری کرد تا اینکه با ورود پلیس به ماجرا و دستگیری او، راز عجیبی فاش شد. شو تاگاچی به مأموران گفت که همه پول را مصرف کرده و تنها ۳۰۰دلار در حسابش باقی مانده است. حقیقتی که بررسی حساب او نیز آن را تأیید می‌کرد و به این ترتیب مرد جوان به اتهام کلاهبرداری دستگیر شد. پنجشنبه گذشته مرد جوان به دادگاه منتقل شد و در آنجا گفت: من بسیار متأسفم که این پول را مصرف کرده‌ام اما قول می‌دهم که آن را ذره ذره برگردانم. حال آنکه وکیل وی ابعاد بیشتری از این ماجرا را فاش کرد و گفت: شو تاگاچی پس از اینکه بیش از ۴۶میلیون ین معادل ۳۶۰هزار دلار اشتباهی به حسابش واریز شد، بلافاصله وارد سایت‌های شرط‌بندی شده و همه این پول را ظرف مدت کوتاهی در این سایت‌ها قمار کرده و درنهایت تمام این مبلغ را باخته است. به گفته وکیل متهم، بعید است که این مرد بیکار بتواند مطابق ادعای خودش این مبلغ را برگرداند و به همین دلیل مسئولان در تلاش هستند که شاید با شناسایی سایت‌های مورد نظر بتوانند این مبلغ کلان را برگردانند. براساس این گزارش، شو تاگاچی هم‌اکنون به اتهام کلاهبرداری بازداشت شده و در زندان به‌سر می‌برد.